

شده‌اند، وکلیساها که «سنت پال<sup>۱</sup>» و «ویست منستر آبی<sup>۲</sup>» از آن جمله هست، اکثر در «منتوی» مفصل شرح شده و سایر بقای خیر آنقدر است که اگر هم‌را قلم بند کنم، این مختصر متحمل آن نشود؛ و در مدارس خود آنقدر غلو کرده‌اند که سوای مدرسه‌های داخل و خارج هر شهر، دوشهر بزرگ یکی «آکسفورد<sup>۳</sup>» و دویم «کیم برج<sup>۴</sup>» مخصوص مدرسه و کتبخانه است که بجز طبله علوم و یاوران و ما یحتاج ایشان کسی یا چیزی بگرد آنها نیست. بعضی اوقات سی‌هزار طالب علم در هر یک از آن دوشهر جا و نفعه یافته‌اند. در آکسفورد، چنانچه گذشت، عبور من افتاد و جمیع مدارس و کتبخانه‌ها و عمارت زیج را به نظر استیننا دیده شد. چون خانه سلاطین، عمارت آن عالی، سنگین<sup>۵</sup>، درهای رنگین مزین از اسباب داخل و خارج و پایان با غایها بود. یکی از شرفای مدرسه «پادری وان تامس» نام که از شاگردان «سرفر گرگ پیک»، استاد علم تشریع، بود، کتابی معتبر در آن علم به یادگارداد. پادشاه لندن مدرسه‌ای که مدرس آنرا «پرشن پرافیسر<sup>۶</sup>» نامند و سه هزار روپیه سالیانه معاش اومقرر است، بهمن عنایت فرمود. عجالتاً عنز اراده معاودت وطن خواسته، و عده نمود که اگر دفعه دیگر به لندن آیم در آن مکان نشسته نشر علوم فارسی خواهم نمود. بالجمله مجموع این عمارت «پلک» مملو از اسباب، و عهد داران برای زن و مرد علیحده است. مدار خرج بعضی، از حاصل ملک که به‌باوب موسوم آن کار تحصیل می‌شود، و بعضی به اوقافی که متمولان ملک به جهت حصول نام نیک بر آن کرده‌اند؛ و زری که از کسب و کار یتیمان و سکنه آن خانه حاصل شود نیاز از جمله مداخل است. اما مدرسه‌هایی که به‌بان ایگلش «اسکول» نامند داخل اینها نیست، بلکه اکثر متصل شهرها خانه علماست. شاگردان به‌نام خوراکی و پوشانگ مبلغ معتمد به<sup>۷</sup> بدیشان دهن، چنانچه معاش آنها، که چون امر است، از آن می‌گذرد و ایشان جمیع ما یحتاج شاگردان را مهیا نمایند. این «بنکهوس» هستند. رقصه آمید<sup>۸</sup> نهاده‌اند، به‌نوعی که شاگرد در عرصه پنج شش سال از تحصیل ضروریات فراغتی نمایند و مهندب و شایسته می‌گردد. گاه است که در «اسکول»ی پانصد شاگرد است و مدرس بزرگ غیر صاحبخانه، و ضابط غیر از زن او، و خدمه بجز دو سه زن و مرد نیست؛ اما کارها به‌سبب قانون منظم و منتظم است و همه چیز بروقت خود مهیا. گویا عالمی صغير موجب بنای اکثر خوبیهای ذاتی «انگلش» است.

### ذکر وضع خیرات «انگلش»

این خیرات ندادن قلیلی به‌غرا با یا صلات به‌مداحان و شرعاً واقر باست؛ زیرا که آن راگناه دانند، و به‌حدی امساك در آن نمایند که اگر کسی دومیل به‌همراه «کوچ» دود دل ایشان ملایم نگردد؛ بلکه عبارت از خیرات خانه‌های «پرش»<sup>۱</sup> است. یعنی یک خانه خیرات در هر قطعه زمین ساخته‌اند که بقدرتان قوت لابدی از آن‌جا می‌یابند. هر کس که در آن قطعه ساکن است، اگر بدان خانه رفته ثابت نماید که قدرت بر مکاسب، یا به‌سببی از اسباب مایه در باخته، یا طاقت تحصیل قوت ندارد، همان دم اهل آن خانه برای او قوت لابدی روزمره مقرر می‌نمایند و سخن او رد نمی‌شود. ابوابی که برای این خیرات از أغنیای آن قطعه تحصیل، وهم به‌واسطه یکی از ایشان خرج می‌شود، جمع آن سه کرور روپیه هنداست. باوصف این‌گذا در لندن بسیار است.

شیشه شد که بعضی بدان قوت کم قناعت ناکرده به‌خانه‌های خیرات رجوع نمی‌شوند، و بعضی به‌جهت وجه شراب ولذات گدایی می‌کنند؛ و گاهی مداخل خانه‌های بازی<sup>۲</sup> برای مایه دادن دو سه کس از اشراف مقرمی شود که در بیک شب آن‌هارا غنی‌می‌سازد؛ و توجه حکام به‌منفعت عام، خود آنقدر است که اگر کسی را نقشه‌ای برای نفع عام به‌خاطر سد و اثبات آن نماید، همان دم بی‌تأمل و وسواس «پر لمنت»، «لک»‌ها برای خرج آن بعد مهه می‌گیرد.

### ذکر «بنکهوس»<sup>۳</sup> لندن

یعنی [خانه] «مهاجنی»<sup>۴</sup> آنقدر پر مایه است که در تمام عالم می‌سطور از آن نخواهد بود. خانه‌ای است عالی مشتمل بر ایگلش «اسکول» نامند داخل اینها نیست، بلکه اکثر متصل شهرها خانه علم است. شاگردان به‌نام خوراکی و پوشانگ مبلغ معتمد به<sup>۵</sup> بدیشان دهن، چنانچه معاش آنها، که چون امر است، از آن می‌گذرد و ایشان جمیع ما یحتاج شاگردان را مهیا نمایند. این «بنکهوس» هستند. رقصه آمید<sup>۶</sup> نهاده‌اند، به‌نوعی که شاگرد در عرصه پنج شش سال از تحصیل ضروریات فراغتی نمایند و مهندب و شایسته می‌گردد. گاه است که در «اسکول»ی پانصد شاگرد است و مدرس بزرگ غیر صاحبخانه، و ضابط غیر از زن او، و خدمه بجز دو سه زن و مرد نیست؛ اما کارها به‌سبب قانون منظم و منتظم است و همه چیز بروقت خود مهیا. گویا عالمی صغير موجب بنای اکثر خوبیهای ذاتی «انگلش» است.

را علام الفیوب داند.

(۱) Parish (سوزه کلیسا). (۲) نسخه‌چاپی: خانه‌های بازی مثل ایره و پلی‌وس و غیره.  
 (۳) Bank House (۴) مهاجن، قومی از هندوان. (۵) نهاده‌اند.  
 (۶) می‌نفخوار.

(۱) St. Paul Westminster Abbey (۲) Cambridge (۳) پیش‌ستگی.  
 (۴) پیش‌ستگی.  
 (۵) Persian Professor (۶) مقصود شهر یهود مردم است.  
 (۷) نسخه‌چاپی: تقسیم لمایند.  
 (۸) مقصود مقدرات تتبیه و تشویق است.

**ذکر «اکسچنج»**

یعنی خانه‌ای که تجار هر روز بدانجا جمع آیند و سهچهار ساعت به گفتگو به سر برده، خرید و فروش و معاوضه هرگونه مال نمایند. بر ترخ اشیای هر ملک و اخبار هرجا، وقت حرکت جهازات تجارت هرشهر، از خطوط یکدیگر مطلع شده، بنای کارخود را بر آن گذارند. و سایر نفعهای که از آن خانه به تجار رسد بیان آن هم از آنها خوب شود؛ چه

ماها نه خریم و نه فروشیم

آنها که خرند و می فروشنند

**ذکر پلهای**

پلهای چه در راهها و چه در کنار شهر بسیار است. از آن جمله ذکر هرسه پل لندن در «منوی» گذشته.

**ذکر پل غریب**

سوای آن عمارت، پلی است که در زیر شهر «گریوزن»<sup>۱</sup> شروع کرده‌اند، غرابت تمام دارد. چنانچه زیرزمین دریای «تمز»<sup>۲</sup> را، که به پهنای دریای «گندگ» است، به نوعی که آب دریا عجالتاً به‌سبب نقل در آن نریزد، به‌شكل قوسی خالی کرده یک دهنه آن مغایق بدین طرف و دهنه دیگر بدان طرف آب، بر ساحل، بر آورده‌اند؛ پس دیواری مستحکم از سنگ و آهک، هر دو جانب مغایق، کشیده طاق‌زندن تا به مرور ایام هم نقل آب آن مغایق را خراب ننماید. گنبدگاه پل در روز چون شب تاریک و قندیلهای روشن همواره آویزان است. ارتفاع سقف از زمین راهرو زیاده بربیست گز و محدب است، و عرض به قدری که چهار «کوچ» برابر<sup>۳</sup> توانند رانند. دریا به‌عمق هفتاد گز و جهازات «منوار» از بالای آن پل می‌گذرد.

## فوايد کاغذ اخبار

(۱) شهری در کناره جنوبی دهانه رود تایمز.

(۲) یعنی رود تایمز.

(۳) یعنی چهار کاسکه کنارهم، بهله بهله‌ای هم.